

## [اتل متل به مورچه](#)

اتل متل به مورچه...



اتل متل به مورچه

رفت تا به دریا رسید

کنار ساحل ایستاد

آب های دریا را دید

مورچه به برگ درخت

تو آب دید و روش نشست

برگ درخت تو دریا

مثل به قایق می گشت

به فیل اومد تماشا

کنار ساحل ایستاد

پاش لغزید و شلپی

تو آب دریا افتاد

فيله تو آب دریا

شنا کرد و شنا کرد

مورچه از روی اون برگ

فيله را خوب نگا کرد

برگ درخت رفت و رفت

تا که به ساحل رسید

مورچه از روی اون برگ

به سوی ساحل دوید

از آب دریا دور شد

رفت و به لونه ش رسید

تو رختخواب نرمش

دراز کشید و خوابید

مورچه ی شیطان بلا

خوابهای خیلی خوب دید

منم میرم به دریا

تو یه قایق می شینم

روی دریا می گردم

دریا را خوب می بینم